



همراهی همدلانه با «مهرانا»

حمیده پای رنج، مدیر کانون فرهنگی تبلیغی مهرانا و
رئیس شورای اجتماعی محله راه آهن:

آشنایی من به سال ۱۳۹۵ برمی گردد. مجموعه مهرانا را که آن زمان اسمش بود «ستاد ازدواج آسان محله راه آهن»، تازه راه اندازی کرده بودیم. برای برخی برنامه هایمان مثل جشن ازدواج زوج های نیازمند، مشکل مکان داشتیم. روبه روی منزل یکی از اعضای گروه، ساختمانی در حال احداث بود. تصمیم گرفتیم با مالک آن که آقای جاودانی بود، صحبت کنیم؛ فعالیت هایمان را توضیح بدیم و ببینیم، فضایی برای فعالیت هایمان دارند؟ گفت وگویی ماهمه اش بیست دقیقه طول کشید و ایشان یک طبقه از ساختمان را که مراحل پایانی بنایی اش سپری می شد، در اختیار مجموعه ما قرار دادند؛ فضایی که اذعان داشتند از ابتدا به نیت حسینی، ساخت آن را شروع کرده بودند. این سالن، برکت زیادی برای همشهریان به ویژه اهالی محله راه آهن داشته و برنامه های مختلفی به خود دیده است؛ از برگزاری دوره های آموزشی برای زوجین و جشن های ازدواج تا کلاس های هنری و حتی ورزشی. از آن زمان، همراهی و همدلی آقای جاودانی با مهرانا ادامه پیدا کرد و از بهمن یار سال به عنوان نایب رئیس مجمع خیرانمان انتخاب شدند. امسال بانی خدایسندانه ایشان، هزینه پذیرایی از اهالی محله در ظهر تاسوعا که همه ساله بانی آن می شدند به تهیه دوسری چیهیزیه و راهی شدن دوزوج نیازمند به خانه بخت، اختصاص پیدا کرد.



زندگی برای کسی که شرایط مالی اش را در آغاز زندگی مشترک، «زیر صفر» توصیف می کند، به همین روال باقی نماند. به قول خودش، دنیا مثل چرخ و فلک است و زیر و رو کردن شرایط مالی برای خداکاری ندارد. فقط اینکه وقتی در پایین دست هستی، نباید ناامید باشی و وقتی به بالا دست رسیدی، مغرور نشوی. او که در سومین دهه از عمر خود، تنها از راه گرداندن مؤسسه قرض الحسنه در خیابان گاز، امرار معاش می کرد؛ اکنون یکی از فعالان حوزه ساخت و ساز به شمار می رود و در حوزه های دیگری مثل تأمین مالی شرکت های دانش بنیان، دامداری و صنعت هتلداری نیز سرمایه گذاری کرده است. باین دستاورد ها، تأکید می کند: «این ها همه از لطف خداست و من هیچ چیز را به حساب زرنگی خود نمی گذارم.»

او ادامه می دهد: «اموال را خدا به امانت می دهد تا ببیند جنبه اش را داری یا نه. اگر منم منم بکنی و سهمی برای دیگران در اموالت در نظر نگیری، به قول قدیمی ها قافلهمه ات برعکس می شود. به قول حاج آقای قرآنی که در برنامه درس هایی از قرآن، سخنرانی می کرد، سینی تا وقتی مقابلت می ماند که برای دیگران برداری. اگر دنبال سهم خواهی خودت باشی، سینی نعمت ها را از مقابلت دور خواهند کرد.»

چرخ و فلک زندگی



هر چه بیشتر می گوید، بیشتر باور می کنیم از خیر بودن فرصت هایی که پیش روی او قرار می گیرد؛ مثلاً سفری که به کرپلا داشت و دیدن موب های پذیرایی از زوار حضرت ابا عبد...^(۱) که منجر به روشن شدن چراغ ایده ای تازه در ذهنش شد؛ «تصمیم گرفتم در ورودی مشهد از سمت قوچان، ایستگاه دائمی پذیرایی از زائران حضرت رضا^(ع) را احداث کنم. ایستگاهی که زائر، امکانات رفاهی لازم را داشته باشد. برای گرفتن مجوزهای لازم، سختی هایی پیش رویم قرار داشت که باز کردن گره آن از عهده من خارج بود. دست آخر، ماجرا را به امام هشتم^(ع) واگذار کردم. از جایی که گمانش رانمی بردم، درست شد و این مجتمع پذیرایی از سال ۱۳۹۲ در پیچ ساغروان، پذیرای زوار حضرت است. در بقیه مناسبت ها مثل غدیر، میاهله و ایام غیر شلوغی هم مراسم زیادی برای مددجویان مؤسسات مختلف در فضای ۳ هزار و ۵۰۰ متری آن برگزار می شود بدون آنکه از این فضا، به دنبال یک ریال درآمد باشیم.»

آشنایی با گروه مهرانا و در اختیار قرار دادن زیر زمین آینه کاری شده ای که در آن به گفت و گو نشستیم، این فرصتی از همین جنس است؛ همیشه دوست داشتم فضایی را درست کنم که عام المنفعه باشد، چیزی شبیه حسینی. مراحل آخر ساخت آن بود که از طریق یکی از همسایه ها با گروه مهرانا آشنا شدم و این فضا را در اختیارشان قرار دادم. برای برگزاری کلاس آموزشی، مراسم عقد و عروسی و هر برنامه ای که خودشان صلاح می دانند.»

فرصت های طلایی

هشدار اذان ظهر که از تلفن همراه جاودانی بلند می شود، نگرانی محسوسی در چهره اش، رخ می نماید. ناگفته، متوجه الزام او به خواندن نماز اول وقت می شویم و تا مسجد آیت ا... میلانی در خیابان شهید هاشمی نژاد، همراهی اش می کنیم.

شادمان از اینکه در غده اش فهمیده شده است، در واپسین دقیقه های گفت و گو، بدون آنکه سؤالی پرسیده شود، از چیزهایی می گوید که هر کدام بخشی از یک نقشه گنج است برای آن ها که رسیدن به ثروت را صرفاً از راه های مادی جست و جو می کنند: «هیچ وقت بد کسی را نخواستیم و اگر مشورتی از من خواسته شد، حتی اگر به ضرر بود، خیانت نکردم. برای همین حتی رقبای مالی ام برای گرفتن مشورت سراغم آمده اند»، «مادرم آرزویی مادی داشت که آن را برآورده کردم. خدایا مرز همیشه دعا می کرد و می گفت: الهی که پیش دوست و دشمن، سر بلند باشی»، «نماز، اول وقتش صفا دارد. تعقیبات نماز صبح، بابرکت است و هر مشکلی داشته باشی را حل می کند»، «خدا خیرت بدهد های از روی تعارف، نه؛ اما مگر می شود خدا دعا های از ته دل یک نیازمند را که با کمک تو شاد شده است، بشنود و رحیم نکند؟»

نقشه گنج